



سپی سپی بل

سپی سپی بل
نیلو فرامنزاده

با برادر بزرگ ترم آشلی و خواهر بزرگ ترم سارا تلویزیون تماشا می‌کردم.



من یک بچه‌ی معمولی بودم. با وسایل مامانم بازی می‌کردم.



پشت دوچرخه‌ی پدرم می‌نشستم.



و آواز می‌خواندم.
خنده کنم من. دست بزنم من.
پا بکوبم من.
شادانم...



با دوستم اما، کرم ابریشم پیدا می‌کردم.

